

# دائرة المعارف علوم جنابی

(مجموعہ مقالہ های تازه های علوم جنابی)

کتاب دوم

زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی

استاد و اشکاء شہید ہستی

## نویسندگان (به ترتیب حروف الفبا)

• روبا آسیایی • حسین آقای جنت مکان • احمد احمدی • محمدعلی اردبیلی • مهدی اسماعیلی • گودرز افتخار  
چهرمی • جلیل امیدی • باقر انصاری (و اسماعیل انصاری) • امیر ایروانیان • محمدعلی بابائی • محمد بلرائی (و علی  
افراسیایی) • ابراهیم بیگ زاده • محسن پارسا (و میلاد نظری) • امیر پاک نهاد • عباس تدین • امین جعفری • مجتبی  
جعفری • عبدالرضا جوان جعفری • حسن حاجی تبار فیروزجانی • محمدجعفر حبیب زاده (و حمیدرضا دانش ناری و ہائپہ  
ہزہر الساداتی) • یاسمن خواجہ نوری (و زینب لکی) • منصور رحمدل • اسماعیل رحیمی نژاد • ہادی رستمی • جعفر رشادتی  
(و زیبا زعفری) • بہزاد رضوی فرد • عباس زراعت • امیر حمزہ زینالی • صادق سلیمی • سید حسام الدین سیداصغہانی • مهدی  
سیدزادہ ثانی • باقر شاملو • عباس شیخ الاسلامی (و محمد داوری) • عباس شیری • مهدی صبوری پور • علی صفاری (و  
وحیدہ دریانورد) • حسن طغرانگار • جواد طہماسبی • مریم عباچی • محسن عینی • حسین غلامی • حسین فخر (و میرسواد  
حسین زادہ) • فرید فدائی (و تہمورث بشیرہ و قاسم خوشبخت) • محمد فرجیہا (و محمدباقر مقدسی) • حسن قرہودی نیا (و  
مهدی موسی زادہ) • رضا فیض • سعید قماش • فاطمہ قناد • نورانہ کریمی • کیومرث کلانتیری (و سیدحسن جعفریان  
سوتہ) • غلامحسن کوشکی • فرید محسنی • شہرام محمدی (و طیبہ بیژنی میرزا) • حسن مرادزادہ (و سعیدرضا  
ابدی) • مهدی مقیمی • اعظم مہدوی پور • محمود مہدوی • حسین مہرپور محمدآبادی • حسنعلی مؤذن زادگان • حسین  
میرمحمدصادقی • علی حسین نجفی ابرندآبادی • امیرحسن نیازپور.

## مترجمان (به ترتیب حروف الفبا)

• شہرام ابراہیمی • حسین آقاہایی (و ریخانہ موسوی) • مجتبی جانی پور • سیدحسین حسینی (و اقبال محمدی) • مہرداد  
رایجیان اصلی (و مہسا شیروی) • لمیاء رستمی تبریزی (و سوداہ رضوانی و مرضیہ آقامیرسلیم) • محمود  
روح الامینی • مهدی سلقیان • علی شجاعی • حسین غلامی (و سیدہممن خدادادی) • روح الدین کردعلیوند (و ازادہ  
شاہین مقدم) • جعفر کوشا (و محمدامین کوشا) • رجب گلدوست جوہاری (و توحید شفیع زادہ دیزجی) • قاسم  
محمدی • سرین مہرا • اسداللہ باوری.

## بنیاد حقوقی میزان

سرشناسه	: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۳۱-
عنوان و نام پدیدار	: مجموعه مقاله‌ها تازه‌های علوم جنایی / زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی
مشخصات نشر	: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸۸ ص.
فروست	: دایرةالمعارف علوم جنایی: کتاب دوم. علوم اجتماعی: ۶۶۶.
شابک	: 978-964-511-465-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: تازه‌های علوم جنایی.
موضوع	: جرم‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده‌بندی کنگره	: HV ۶۰۱۸ م۳۳ ن
رده‌بندی دیویی	: ۳۶۴/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۸۵۳۶۹

۶۶۶

نشر میزان

### دایرةالمعارف علوم جنایی

(مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)

کتاب دوم

زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی

مدیر اجرایی و هماهنگ‌کننده: امیرحسین نیازپور

صفحه آرای: حسین دودانگه

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۴۶۵-۵

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکیسا، پلاک ۳۲، تلفن: ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخر رازی، پلاک ۸۳، تلفن: ۶۶۴۶۷۷۷۰

مرکز بخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتوح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن: ۸۱۳۴۹۵۲۹ - ۳۱

پست الکترونیکی: [mizannasher@yahoo.com](mailto:mizannasher@yahoo.com) وب سایت: [www.Mizan-law.ir](http://www.Mizan-law.ir)

# جرائم تقلیدی

دکتر سید مهدی سیدزاده ثانی

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

چاپ شده در: دائرة المعارف علوم جنایی، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، صص ۷۶۷-

۷۸۹

## مقدمه

در انگلستان دو کودک ده ساله، کودکی خردسال به نام جیمز پاتریک بلگر<sup>۱</sup> را از مرکز خریدی واقع در لیورپول دزدیده و با خود به چند کیلومتری محل می‌برند و در آنجا و در وسط یک خط راه‌آهن کودک را با آجر و میله‌آهنی مورد ضرب و شتم قرار داده و به طرز وحشیانه‌ای به قتل می‌رسانند. وقوع این حادثه جامعه انگلستان را به شدت تکان داد و هراسی اخلاقی از جرائم نوجوانان را سبب شد. یکی از نگرانی‌های برآمده از این رخداد، پیدایش هراس از نمایش خشونت در رسانه‌ها بود. مطبوعات و پلیس، فیلم‌های خشن را به عنوان یکی از مهم‌ترین متهمان پرونده می‌شناختند. علت آن بود که پلیس معتقد بود این دو کودک بر اثر تقلید از خشونت موجود در یک فیلم<sup>۲</sup> مرتکب این جنایات شده‌اند، فیلمی که پدر یکی از کودکان آن را یکماه قبل از وقوع قتل کرایه کرده بود. قاضی پرونده معتقد بود که تماشای فیلم-های خشونت بار توضیحی مناسب برای چرایی وقوع این حادثه به شمار می‌رود<sup>۳</sup>. شایان ذکر است، که

---

<sup>1</sup> James Patrick Bulger, for further reading about this case, see: Murder of James Bulger, wikipedia, available at: [http://en.wikipedia.org/wiki/Murder\\_of\\_James\\_Bulger](http://en.wikipedia.org/wiki/Murder_of_James_Bulger) (retrieved: 25/05/2011); Jonathan, Bignell, *Writing the Child in Media Theory*, The Yearbook of English Studies, Vol. 32, *Children in Literature*, pp. 127-139, 2002, available at: <http://www.jstor.org/stable/3509052> (retrieved: 04/06/2011); Allison, James and Chrisn JenksSource, *Public Perceptions of Childhood Criminality*, The British Journal of Sociology, 47:2), pp. 315-331,1996, available at:

<http://www.jstor.org/stable/591729> (retrieved: 04/06/2011).

<sup>2</sup> Child's play 3 (1991).

<sup>3</sup> Rikke, Schubart, *From Desire to Deconstruction: Horror Films and Audience Reactions*, in Kidd-Hewitt David, Osborne Richard (eds.), *Crime and the Media: The Post-Modern Spectacle*, London, pluto press, 1995.

هیچگاه عملاً ثابت نشد که این کودکان فیلم مزبور را مشاهده کرده‌اند.<sup>۱</sup> وجود این ادعا سبب شد تا فیلم‌هایی که کودکان به آنها دسترسی داشتند، به موجب قانون محدود شود.<sup>۲</sup>

هر از چندگاهی جرایمی ارتکاب می‌یابد که ادعا می‌شود مرتکبان آنها از رسانه‌های گروهی الهام گرفته‌اند. به عنوان نمونه چهار جوان با تیراندازی به دو مأمور پلیس لاس‌وگاس آنها را مجروح کردند و پس از بررسی مواقع اعلام شد که انگیزه اقدام آنها آهنگی رپ با عنوان پلیس‌کش<sup>۳</sup> بوده است. قاضی پرونده دو نوجوانی که یک موتورسوار را ربوده و به قتل رسانده بودند، اعلام کرد که متهمان نحوه عملکرد خود را از یک فیلم جنایی<sup>۴</sup> گرفته‌برداری کرده‌اند. چهار نوجوان دیگر نیز اعلام کردند که نگاه کردن همین فیلم سبب شده تا خودرویی را سرقت کرده و دو نفر را کشته و مجروح کنند. یک پسر ۱۶ ساله که مادر خود را به قتل رسانده بود در تحقیقات چنین عنوان کرد که ایده قتل مادرش را از یک فیلم ترسناک<sup>۵</sup> گرفته است. یک دانش آموز دبیرستانی نیز بر پایه فیلمی واقعی دیگری<sup>۶</sup> سه نفر را کشت و پنج نفر را زخمی کرد.<sup>۷</sup>

چنین جرایمی سبب بروز رشته مطالعاتی جدیدی شد که با عناوینی چون جرایم تقلیدی<sup>۸</sup>، جرایم بدلی<sup>۹</sup> و یا جرایم مسری<sup>۱۰</sup> شناخته می‌شود که البته عنوان نخست از سایر عناوین شناخته شده‌تر و با کاربرد بالاتر در میان ادبیات تحقیقی است. این عناوین اشاره به رفتارهایی دارد که برگرفته از اعمالی است که مرتکب قبلاً آنها را مشاهده کرده است. برای آن که جرمی را تقلیدی بدانیم، باید آن جرم را ملهم از جرایمی باشد که در رسانه‌ها بازتاب داشته‌اند و بزهدکاران در رسانه‌ها چیزی در رابطه با آن شنیده

---

<sup>1</sup> Eamonn, Carrabine, *Crime, Culture and the Media*, Polity Press, Malden, 2008, p. 179.

<sup>2</sup> The Criminal Justice and Public Order Act 1994, sec. 7.

<sup>3</sup> Cop Killer.

<sup>4</sup> Menace II Society (1993).

<sup>5</sup> Scream (1996).

<sup>6</sup> Basketball Diaries.

<sup>7</sup> Ray, Surette, *Self-Reported Copycat Crime Among a Population of Serious and Violent Juvenile Offenders*, CRIME & DELINQUENCY, 48:1, pp. 46-69, 2002, p. 48, available at: <http://cad.sagepub.com/content/48/1/46.full.pdf> (retrieved at: 05/08/2011).

<sup>8</sup> Copycat crimes.

<sup>9</sup> Imitation crimes.

<sup>10</sup> Contagion crimes.

یا دیده باشند و جرم خود را بر آن اساس پی‌ریزی نموده باشند. در جرایم تقلیدی انتخاب قربانی، انگیزه‌ها و شگردهای اجرایی جرم می‌بایست همان بازتاب رسانه‌ای یا الهام گرفته از آن باشد، البته رسانه بیشتر نقش معد و کاتالیزور را دارد تا عامل مستقیم وقوع جرم.<sup>۱</sup>

به لحاظ تاریخی نخستین پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به بررسی تأثیر بازنمایی خودکشی در رسانه‌های گروهی بر افزایش میزان خودکشی در جامعه پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> نتایج حاصل از این تحقیقات به گونه‌ای بود که پیشنهادهای مبنی بر مسئول قلمداد کردن رسانه‌ها در قبال پخش چنین برنامه‌هایی به گوش می‌رسید.<sup>۳</sup> اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بیانگر رابطه بازتاب رسانه‌ای خودکشی و افزایش میزان خودکشی است<sup>۴</sup>، هرچند، اتفاق نظر در خصوص دامنه این تأثیر وجود ندارد. به عنوان نمونه دقیقاً مشخص نیست که بازتاب خودکشی در رسانه به افزایش موارد خودکشی منجر می‌شود، یا اینکه صرفاً بر نحوه ارتکاب خودکشی تأثیر می‌گذارد. گرچه ادبیات تحقیقی در خصوص خودکشی تقلیدی به نسبت غنی است، اما کار کمتری در خصوص جرایم تقلیدی به انجام رسیده است.

---

<sup>۱</sup> جهان بین، داریوش، نقش رسانه‌ها در کنترل امنیت اجتماعی، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۴۳، صص ۹۳-۱۲۰، ص ۱۱۳.

<sup>۲</sup> P.W., O'Carroll, & L.B., Potter, *Suicide contagion and the reporting of suicide: Recommendations from a national workshop*, Morbidity and Mortality Weekly Reports, 43:6, 1994, pp. 9-18, available at: <http://www.cdc.gov/mmwr/preview/mmwrhtml/00031539.htm> (retrieved at: 08/05/2011) ; D.P., Phillips et al., *Suicide and the media*, in Ronald W., Maris et al. (eds.), *Assessment and prediction of suicide*, New York, Guilford press, 1992, p. 31.

<sup>۳</sup> M., Gould et al., *Media contagion and suicide among the young*, The American Behavioral Scientist, 46:9, pp. 1269-1284, 2003, available at: <http://abs.sagepub.com/content/46/9/1269.full.pdf+html> (retrieved at: 08/05/2011).

<sup>۴</sup> برای بازخوانی ادبیات موجود در این زمینه ر.ک. به:

Jane, Pirkis and R. Warwick, *Blood, Suicide and the Media: A Critical Review*, Mental Health and Special Programs Branch, Commonwealth Department of Health and Aged Care, 2001, available at: [http://www.mindframe-media.info/client\\_images/372860.pdf](http://www.mindframe-media.info/client_images/372860.pdf) (retrieved at: 08/05/2011)

ارائه تعریف از جرایم تقلیدی کاری دشوار است، اما شاید بهترین تعریف از جرائم تقلیدی از سوی رأی سورتی<sup>۱</sup> ارائه شده باشد، جرم‌شناسی که از اواسط دهه ۸۰ میلادی مشغول کار و پژوهش در این رابطه است. به نظر وی احراز دو شرط برای تقلیدی خواندن یک جرم ضروری است:

الف) وجود شباهت میان جرم تقلیدی و جرم الگو، این شباهت می‌تواند در قالب نحوه انتخاب بزه- دیده، انگیزه ارتکاب و یا روش ارتکاب بزه بروز و ظهور یابد.

ب) پوشش رسانه‌ای جرم الگو، بدین ترتیب دومین شرط جرائم تقلیدی آن است که جرم الگو پوشش رسانه‌ای وسیع یافته باشد تا بتوان رابطه علیت میان جرم الگو و جرم تقلیدی را برقرار کرد. از سوی دیگر جرم الگو الزاماً جرم واقعی نیست و می‌تواند در قالب فیلم، داستان، مستند و یا حتی همانگونه که در بالا ملاحظه شد، در قالب یک آهنگ منتشر شده باشد.<sup>۲</sup> به نظر این جرم‌شناس شرط دوم رکن اساسی تعریف جرایم تقلیدی به شمار می‌رود و تا پوشش وسیع رسانه‌ای در خصوص جرم الگو وجود نداشته باشد، نمی‌توان سخن از جرایم تقلیدی به میان آورد.

هنوز در خصوص وجود یا عدم وجود جرایم تقلیدی اختلاف نظرهایی در میان محققان وجود دارد، اما پژوهش‌هایی که اخیراً به انجام رسیده مؤید آن است که جرایم تقلیدی وجود دارد، هر چند میزان آن دقیقاً مشخص نشده است.<sup>۳</sup> بسیاری از پژوهشگران در خصوص احتمال تأثیر رسانه بر روند ارتکاب جرم هشدار داده‌اند. به عنوان نمونه رسانه‌ها گاه اقدام به انتشار جزئیاتی محرمانه از روال تحقیقات مقدماتی، نحوه کشف جرم و دستگیری متهم می‌نمایند. این داده‌ها در برخی موارد به کار مجرمین بعدی آمده و روال کشف جرم و یا دستگیری متهم را در جرائم بعدی مختل می‌کند. به عنوان نمونه، در موارد آدم- ربائی و گروگان‌گیری، پلیس از تکنیک‌های خاصی برای مذاکره با آدم‌ربایان و رهاسازی گروگان‌ها بهره می‌جوید. برخی پژوهشگران به این نکته اشاره کرده‌اند که انتشار این راه‌کارها در رسانه‌های گروهی، سبب شده تا این راه‌حل‌ها در جرائم بعدی کارساز نباشد.<sup>۴</sup> به دیگر سخن، مجرمین مقلد، از مجرمین الگو

---

<sup>1</sup> Ray Surette

<sup>2</sup> Ray, Surette, *Media, crime and criminal justice: Images and realities*, 2nd ed., Belmont, C.A., Wadsworth, 1998, p. 7.

<sup>3</sup> Ray, Surette, *Self-Reported Copycat Crime Among a Population of Serious and Violent Juvenile Offenders*, op.cit.

<sup>4</sup> J., Munday, *Terrorism, police and the media*, Queensland Police Union Journal, 1994, pp. 23-31, cited in: Rebekah, Doley, *Copycat Arson*, available at:

درس گرفته و در دام‌های پلیس گرفتار نیامده‌اند. همچنین به موجب برخی پژوهش‌ها، پوشش رسانه‌ای جرایمی چون سرقت مسلحانه سبب افزایش ارتکاب این جرایم شده است.<sup>۱</sup>

از دیگر مظاهر تأثیر متقابل جرایم و رسانه‌ها و خطرات تقلیدی می‌توان به جرم تروریسم اشاره نمود. به گونه‌ای که گفته می‌شود، اگر رسانه‌های جمعی وجود نداشته‌اند، تروریست‌ها آنها را ابداع نمی‌نمودند.<sup>۲</sup> پس رسانه‌های خبری و تروریست‌ها و گروهان‌گیرها و... چند نیاز مشترک دارند. اصولاً هر دو سعی می‌کنند به آدم‌های بیشتری دسترسی پیدا کنند. به خاطر همین نیازهای مشترک هم در این قرن، نوع جدیدی از تروریسم پدید آمده است. تروریسم‌های رسانه‌گرا برای تبلیغ خودشان خشونت به خرج می‌دهند، و بنابراین دنبال قربانیانی می‌گردند که ارزش خبری بیشتری داشته باشند. تروریسم رسانه‌گرا یک جرم «تبلیغات مدار» ابلاغی نمادین و نوعی خاص از وقایع رسانه‌ای قهری است، تروریست‌های رسانه‌گرا تابع پنج اصل‌اند. اولاً اعمال آنها با هدف جلب نظر مخاطبان صورت می‌گیرد و ماهیت تاکتیکی ندارند. ثانیاً قربانیان طوری انتخاب می‌شوند که حداکثر ترس را در مردم ایجاد نمایند و بیشترین تأثیر را بر آنها بگذارند ثالثاً این که رسانه‌ها خشونت تروریست را پوشش می‌دهند، چهارم این که تروریسم موجب فعال شدن و هدایت رسانه‌ها و فریب رسانه‌ها برای پوشش تبلیغاتی اعمال تروریستی می‌شود. پنجم اینکه دولت‌ها چاره‌ای ندارند جز این که یا خبر ترورها را سانسور کنند یا آن که در رسانه‌ها پخش نمایند و این به شیوه تروریسم کمک می‌کند.

رسانه‌ها نیز به تروریسم به چشم یک سرگرمی، نمایش عمومی هیجان‌انگیز که برانگیزنده توجه عموم مردم است، توجه کرده و سعی می‌کنند با پروبال دادن به وقایع، سرعت در پوشش خبری، حجم بالای پوشش به افزایش مشروعیت و کسب وجهه عمومی آن کمک نمایند تا منابع و امکانات مالی بیشتری را به دست آورند. پس موضوعاتی نظیر گروهان‌گیری و تروریسم، مقولات مهم و حیاتی برای رسانه‌ها و تروریست‌ها هستند. از این رو پوشش رسانه‌ای وقایع تروریستی موجب انتقاد به رسانه‌ها به

---

[http://www.firefocus.net/docs/COPYCAT\\_ARSON.pdf](http://www.firefocus.net/docs/COPYCAT_ARSON.pdf) (retrieved at: 05/08/2011)

<sup>۱</sup> Christopher H., Cantor, et al., *Media and mass homicides*, Archives of Suicide Research, 5:4, pp. 283-290, 1999, available at: <http://www.informaworld.com/smpp/content~db=all~content=a782559300~frm=titlelink> (retrieved at: 08/05/2011).

<sup>۲</sup> جهان بین، داریوش، منبع پیشین، ص ۱۱۴.

جهت خطر تقلید و تکرار و زمینه‌سازی بروز خشونت و ارائه الگو و آموزش فنون انجام ترور گشته است. چه‌بسا پوشش خبری ترورها زمینه‌ساز تهدیدات دروغین بعدی در افزایش این جرایم و رقابت ناسالم رسانه‌ها و تروریست‌ها و زیر سؤال رفتن شئون اخلاقی و خبرنگاری و قانون‌شکنی و حتی ضربه به منافع و امنیت ملی گردد.<sup>۱</sup>

البته عدم قطعیتی که در تمامی حوزه مطالعاتی تأثیر رسانه وجود دارد، در حوزه مطالعات مربوط به جرایم تقلیدی نیز به چشم می‌خورد. در هر مورد که ادعایی مبنی بر وجود جرایم تقلیدی مطرح شده، پژوهشگرانی اقدام به رد این ادعا کرده‌اند.<sup>۲</sup> همین دوگانگی در نتایج تحقیقات سبب شده تا نظام‌های قضایی در خصوص ایجاد مسئولیت برای رسانه‌ها در مقابل رفتارهای مخاطبان تردید داشته باشند.<sup>۳</sup> در این میان مشکلات و ایرادات روش‌شناختی در ایجاد این دوگانگی در نتایج تحقیقات بی‌تأثیر نبوده است.

یکی از مشکلات عمده پژوهش در این حوزه، دشواری برقراری رابطه میان دو جرم جداگانه است. اکثر پژوهشگران این حوزه بر پایه اطلاعات خوداعلامی، پژوهش خود را بنا می‌کنند. برای وجود رابطه علیت، پرسش شونده می‌بایست در گام نخست ارتکاب جرم را پذیرفته و در گام بعد آن را الگو گرفته از یک برنامه خاص منتشر شده توسط رسانه بداند. مشکل این روش تحقیق در آن است که تکیه بر اطلاعات خوداعلامی در پژوهش‌های کیفری جرم‌شناسی (نظیر علت‌شناسی وقوع بزه) با ایرادات جدی روبرو است<sup>۴</sup> که سبب می‌شود اطلاعات برآمده از این داده‌ها قابل اعتماد نباشد.

یکی دیگر از علل متفاوت بودن نتایج پژوهش‌ها درباره جرایم تقلیدی، متغیرهای مختلفی است که پژوهشگران در تحقیق‌های خود لحاظ می‌کنند. به عنوان نمونه در تحقیق‌های مربوط به خودکشی

---

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۱۵.

<sup>۲</sup> R., Clarke & G., McGrath, *Newspaper reports of bank robberies and the copycat phenomenon*, Australian and New Zealand Journal of Criminology, 25(March), pp. 83-88, 1992, available at: <http://anj.sagepub.com/content/25/1/83.abstract> (retrieved at: 08/05/2011)

<sup>۳</sup> Ray, Surette, *Media, crime and criminal justice: Images and realities*, op.cit., p. 138.

<sup>۴</sup> J., Petersilia, *Criminal career research: A review of recent evidence*, in N., Morris & M., Tonry (eds.), *Crime and justice: An annual review of research*, vol. 2, pp. 321-379, Chicago, University of Chicago Press, 1980, available at: <http://www.jstor.org/stable/1147417> (retrieved at: 08/05/2011).



تقلیدی، برخی از تحقیقات بر متغیر خودکشی یک فرد مشهور تکیه کرده و دیگر تحقیقات بر خصوصیات فردی مخاطب تمرکز کرده‌اند. تفاوت در متغیرها سبب می‌شود تا اطلاعات خام همگون نتایجی ناهمگون را به دنبال داشته باشند.

## گفتار نخست: بررسی نظری جرایم تقلیدی

اگر فرض را بر وجود جرایم تقلیدی بگذاریم، نوبت به بررسی نحوه تأثیرگذاری رسانه بر مخاطب می‌رسد. نظریات متعددی در خصوص رابطه میان پوشش رسانه‌ای خودکشی و ارتکاب خودکشی ارائه شده است، اما مشکلات نظری و روش‌شناختی این نظریات سبب می‌شود تا نتوان آنها را با اطمینان در مورد جرایم تقلیدی به کار بست.<sup>۱</sup> سورتی تلاش قابل‌تقدیری برای جمع‌بندی نظریه‌های ابراز شده در این خصوص کرده است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که عوامل مختلفی نظیر جرم الگو، میزان و نحوه پوشش رسانه‌ای، شرایط اجتماعی و اقتصادی و خصوصیات شخصی مخاطب بر ایجاد جرایم تقلیدی تأثیر می‌گذارد.<sup>۲</sup>

در خصوص تأثیر جرایم تقلیدی دو مدل مختلف از یکدیگر قابل‌بازشناسی است. به موجب یک نظریه بازتاب جرایم در رسانه‌ها سبب می‌شود تا شهروندان قانون‌مدار، به فکر ارتکاب جرم بیافتند و جرم را به عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از معضلاتی که با آن درگیر هستند بیابند. بنابراین به موجب این نظریه جرایم تقلیدی به افزایش میزان جرایم می‌انجامد.

اما در نظر دوم که بیشتر مطابق با واقع به نظر می‌رسد، جرایم تقلیدی بیشتر بر نحوه ارتکاب جرائم تأثیر می‌گذارد. سورتی چنین استدلال می‌کند که پوشش وسیع رسانه‌ای جرایم سبب می‌شود تا مجرمین موجود دست به بازخوانی تکنیک‌ها و راهکارهای مجرمانه زده و به اصطلاح خود را روزآمد<sup>۳</sup> کنند. به

---

<sup>۱</sup> برای ملاحظه توجیحات مختلف نظری پیرامون جرایم تقلیدی و خودکشی تقلیدی ر.ک. به:

Jane, Pirkis and R. Warwick, Blood, *Suicide and the Media: A Critical Review*, op.cit.

<sup>۲</sup> Ray, Surette, *Estimating the magnitude and mechanisms of copycat crime*, in Ray, Surette (ed.), *The media and criminal justice policy: Recent research and social effects*, Springfield, IL: CC Thomas Publishers, 1990, available at: <http://www.ncjrs.gov/App/publications/Abstract.aspx?id=125778> (retrieved at: 08/05/2011).

<sup>۳</sup> Update.

موجب این نظریه تماشای تصویر رسانه‌ای جرم سبب نمی‌شود تا مجرمین مرتکب جرایم جدید شوند، بلکه سبب می‌شود تا جرایم فعلی خود را به روشی بهتر و مناسب‌تر مرتکب شوند.<sup>۱</sup> بنابراین به موجب این نظریه، جرایم تقلیدی به کیفی شدن جرایم موجود می‌انجامد، هر چند ممکن است تأثیری بر کمیت جرائم باقی نگذارد. اندک شواهد تجربی موجود بیشتر نظریه کیفری شدن جرایم بر اثر جرایم تقلیدی را تقویت می‌کنند، هر چند این مسئله ممکن است ناشی از آن باشد که نمونه‌های آماری در این تحقیق‌ها بیشتر از میان محکومین بزرگسال انتخاب شده‌اند و همین امر می‌تواند نتایج تحقیقات را تحت تأثیر قرار دهد.<sup>۲</sup>

## گفتار دوم: گونه‌شناسی جرایم تقلیدی

برخی از محققین اقدام به بازخوانی موارد و نمونه‌های جرایم تقلیدی کرده و با دقت در خصوصیات جرائم تقلید شده، مرتکبان و انگیزه تقلید، جرائم تقلیدی را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند.<sup>۳</sup> این چهار دسته عبارتند از:

**الف) مقلدین راهکار:** افرادی که روش‌های جدید ارتکاب جرایم را از رسانه‌ها فراگرفته و در جرایمی که قبلاً مرتکب می‌شده‌اند به کار می‌بندند.

**ب) مقلدین گروهی:** مقلدینی که به صورت گروهی اقدام به تقلید از رسانه‌های گروهی می‌کنند، بدیهی است که در مقابل این دسته مقلدین انفرادی قرار می‌گیرند.

**ج) مقلدین روان‌نژند:** مقلدینی که بر اثر بیماری‌های روانی اقدام به تقلید از جرایم نمایش یافته در رسانه‌ها می‌کنند.

**د) مقلدین تروریست:** افرادی که با هدف ایجاد وحشت در جامعه اقدام به بازسازی جرایم دهشت-بار بازتاب یافته در رسانه‌ها می‌کنند.

---

<sup>1</sup> Ibid.

<sup>2</sup> Ray, Surette, *Media, crime and criminal justice: Images and realities*, op.cit.

<sup>3</sup> S.E., Pease & C.T., Love, *The copycat crime phenomenon*, pp. 199-211, in Ray, Surette (ed.), *Justice and the media: Issues and research*, Springfield, Illinois: Charles C. Thomas Publishers, 1984, available at: <http://www.ncjrs.gov/App/publications/Abstract.aspx?id=95778> (retrieved at: 08/05/2011).

با بررسی مطالعات و ادبیات موجود به این نتیجه می‌رسیم که طبقه‌بندی فوق، تنها طبقه‌بندی شناخته شده از جرایم تقلیدی است و نیاز به مطالعات بیشتر در این خصوص به چشم می‌خورد. به هر حال، این طبقه‌بندی از ایراد مصون نیست. به نظر می‌رسد تفاوت ماهوی جدی میان گونه‌های مختلف جرایم تقلیدی به شرح فوق وجود ندارد، و از سوی دیگر همانگونه که در تحقیقی دیگر مورد اشاره قرار گرفته این طبقه‌بندی فاقد تأثیر عملی است.<sup>۱</sup>

## گفتار سوم: افراد در معرض خطر جرایم تقلیدی

همانگونه که پيس و لاو ذکر کرده‌اند، برای آنکه بتوان به درک خوبی از نظریه جرایم تقلیدی رسید، می‌بایست بر دو نکته بیشتر تمرکز کنیم. نخست اینکه خصوصیات و نحوه انعکاس جرم الگو و در مرحله بعد خصوصیات شخصی و زمینه خانوادگی و اجتماعی مخاطب. محققین حوزه خودکشی تقلیدی به هر دو مورد پرداخته‌اند، اما پژوهشگران جرایم تقلیدی توجه کمتری به خصوصیات مرتکبین جرایم تقلیدی داشته‌اند.

به هر حال، سورتی جزو معدود محققانی است که به خصوصیات مرتکبین جرایم تقلیدی پرداخته است.<sup>۲</sup> به موجب یافته‌های این پژوهشگر، جرایم تقلیدی معمولاً از سوی افرادی ارتکاب می‌یابد که درگیر اعمال مجرمانه بوده و اغلب دارای محکومیت‌های پیشین کیفری به دلیل ارتکاب جرایم خشونت-بار بوده‌اند. به موجب بررسی‌های به عمل آمده توسط سورتی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد مجرمین، تحت تأثیر رسانه‌ها تکنیک‌ها و راهکارهای مجرمانه خود را بهبود بخشیده‌اند. به هر حال، وی در نتیجه‌گیری خود احتمال وجود مجرمین تقلیدی بدون هرگونه سوءپیشینه کیفری را رد نکرده، ولی میزان آن را بسیار پائین دانسته است.<sup>۳</sup>

سورتی در یک پژوهش جدید اقدام به مصاحبه کیفی با ۶۸ بزهدکار نوجوان ۱۵ تا ۱۷ سال کرده است. وی در این مصاحبه به روش خود اعلامی، جویای پیشینه و جرایم تقلیدی پاسخ‌دهندگان خود برآمده است. سورتی بر اساس جمع‌بندی یافته‌های حاصل از این پژوهش مجرم تقلیدی الگو در سنین

---

<sup>1</sup> Rebekah, Doley, *Copycat Arson*, op.cit.

<sup>2</sup> Ray, Surette, *Estimating the magnitude and mechanisms of copycat crime*, op.cit.

<sup>3</sup> Ibid.

نوجوانی را با این خصوصیات ترسیم می‌کند: پسر ۱۶/۵ ساله سیاه‌پوست با سابقه مشکلات تحصیلی و با کارنامه‌ای از انواع متعدد خشونت ورزی‌ها و دیگر اعمال مجرمانه.<sup>۱</sup>

ذکر دیگر یافته‌های این پژوهش نیز خالی از فایده نخواهد بود. به موجب این پژوهش حدود ۴۰ درصد نمونه آماری ارتکاب نوعی جرایم تقلیدی را پذیرفته بودند و در این میان ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان مرتکب جرایمی شده بودند که کاملاً تقلیدی به شمار می‌رفت.<sup>۲</sup> اکثر نوجوانان شرکت کننده در این طرح پژوهشی نقش رسانه را در شکل‌دهی به رفتارهای مجرمانه خود به نسبت فاقد اهمیت می‌دانستند، اما گروه اندکی نیز بودند که جایگاه بالایی به لحاظ اجتماعی برای رسانه‌ها قائل بودند و همین عده هم بودند که رسانه را در ارتکاب جرائم خویش دخیل می‌دانستند. سورتی چنین استدلال می‌کند که افرادی که خصوصیات آنها در بالا بیان شد، بیشتر در معرض ارتکاب جرایم تقلیدی هستند.<sup>۳</sup>

به موجب این پژوهش فرضیات نظریه کاشت در خصوص جرایم تقلیدی مورد تأیید قرار نگرفت. به دیگر سخن، بین تماشای بیشتر رسانه و ارتکاب بیشتر جرایم تقلیدی ارتباط معناداری پیدا نشد. البته این مسئله در جرایم مرتبط با حمل و استفاده غیرمجاز از سلاح گرم با استثنا روبرو می‌شد: نوجوانانی که به فیلم‌های جنایی بیشتر علاقه داشتند، بیشتر مرتکب جرایم تقلیدی می‌شدند. به موجب این پژوهش مهم‌ترین تفاوت معنادار گروهی که مرتکب جرایم تقلیدی شده بودند در احترام و جایگاهی بود که این عده برای رسانه و ایده‌های منتقل شده از طریق آن قائل بودند. البته در این گروه هم رسانه به تنهایی عامل تعیین کننده به شمار نمی‌رفت، بلکه به همان میزان رسانه، گروه دوستان نیز در شکل‌دهی به انگیزه‌ها و تعاریف مجرمانه دخالت داشتند.<sup>۴</sup>

با توجه به موارد فوق در کل می‌توان به نتیجه‌گیری که در سایر مباحث مربوط به آثار مثبت و منفی رسانه داشتیم برسیم. تردیدی وجود ندارد که مواردی از جرایم تقلیدی وجود دارد و برخی افراد تحت تأثیر آنچه در رسانه مشاهده می‌کنند مرتکب بزه می‌شوند. همانگونه که بیان شد تصاویر رسانه‌ای جرم می‌تواند باعث افزایش میزان جرایم و به شکلی قوی‌تر سبب کیفیت بخشی به رفتار مجرمانه شود. هرچند، رسانه تنها عامل دخیل در اینگونه جرایم نبوده و خصوصیات فردی مرتکب نیز در تأثیر گذار بودن رسانه نقشی انکارناشدنی بر عهده دارند. به هر روی، گرچه رسانه در ایجاد جرایم تقلیدی نقش

---

<sup>1</sup> Ray, Surette, *Self-Reported Copycat Crime Among a Population of Serious and Violent Juvenile Offenders*, op.cit., p. 50.

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> Ibid, p. 51.

<sup>4</sup> Ibid, p. 54.

دارد، اما میزان این نقش و نحوه تعامل آن با سایر متغیرهای دخیل در موضوع همچنان نهفته باقی مانده است که می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

## گفتار چهارم: خشونت تقلیدی

در کنار بحث از جرایم تقلیدی، بحث خشونت‌های تقلیدی نیز مطرح می‌شود. همانگونه که در ادامه می‌آید، حجم زیادی از خشونت از طریق رسانه‌های گروهی منعکس می‌شود. نمایش این میزان خشونت در رسانه، همیشه این بیم را به دنبال داشته که مبادا مخاطبان این خشونت را در صحنه عملی زندگی تقلید و یا تکرار نمایند. به همین دلیل، پس از هربار وقوع جرایم شدید و خشونت‌بار، رسانه‌ها به عنوان یکی از متهمین در دسترس، همیشه مورد توجه قرار می‌گیرند، و شاید به همین دلیل باشد که سیاستمداران از جمله مهم‌ترین طرفداران تأثیر خشونت رسانه‌ای بر خشونت‌های واقعی باشند. به عنوان نمونه بعد از ماجرای تیراندازی در مدرسه‌ای در سال ۱۹۹۹<sup>۱</sup>، بیل کلینتون، رئیس جمهور آمریکا، در سخنانی رسانه‌ها را از مقصرین این حادثه قلمداد کرد و به عنوان توجیه سخن خود به این نکته اشاره کرد که هر آمریکایی تا زمانی که به ۱۸ سالگی می‌رسد، شاهد بیش از ۴۰/۰۰۰ فقره قتل در رسانه بوده است.<sup>۲</sup>

خشونت عنوانی است که بیشتر توسط جامعه‌شناسان به کار برده و توسط محققین علوم ارتباطات نیز استفاده می‌شود. واژه خشونت در این‌جا بیشتر مفهومی رفتارشناسانه و روان‌شناسانه دارد و تمامی مصادیق آن را نمی‌توان جرم دانست. به هر حال، در اکثر موارد خشونت‌ورزی به نوعی دارای عنوان کیفری و یا در پاسخ به یک عنوان کیفری ارتکاب می‌یابد. به لحاظ منطقی رابطه میان خشونت و جرم عموم و خصوص من‌وجه است: هر جرمی خشونت‌آمیز نیست و هر خشونت‌ورزی نیز جرم محسوب نمی‌شود، ولی برخی از جرایم خشونت‌آمیز هستند. البته با توجه به نتایج پژوهش‌های تحلیل محتوا در خصوص چگونگی بازتاب عدالت کیفری در رسانه‌های، جرایم خشونت‌آمیز شانس بسیار بیشتری برای حضور در رسانه‌ها دارند و اکثر جرایم بازنمایی شده در رسانه طبعی خشونت‌آمیز دارند. به همین دلیل و

---

<sup>۱</sup> در این حادثه دو دانش‌آموز در ۲۰ آوریل ۱۹۹۹ اقدام به تیراندازی در مدرسه کرده و ۱۲ نفر را کشته و ۲۱ نفر دیگر را زخمی کردند، در پایان نیز اقدام به خودکشی کردند. برای مطالعه بیشتر در خصوص جزئیات حادثه ر.ک. به:

Wikipedia, Columbine High School Massacre, available at: [http://en.wikipedia.org/wiki/Columbine\\_High\\_School\\_massacre](http://en.wikipedia.org/wiki/Columbine_High_School_massacre) (retrieved at: 10/08/2009).

<sup>۲</sup> Eamonn, Carrabine, Crime, Culture and media, op. cit., p. 27.

با توجه به جرم بودن اکثر خشونت‌ها، می‌توان با تسامح پژوهش‌های مربوط به بازنمایی خشونت در رسانه را به عنوان پژوهش‌هایی در نظر گرفت که به تبیین پیامدهای بازنمایی جرائم در رسانه‌ها می‌پردازند.

یک سؤال همیشگی تحقیق در تأثیرات رسانه‌ها این است که آیا نمایش خشونت رسانه‌ای باعث افزایش سطوح پرخاشگری و خشونت در افراد جوان می‌شود یا خیر؟ برخی کارشناسان مانند رول هاوسمن<sup>۱</sup>، استاد دانشگاه میشیگان استدلال کرده‌اند که شواهد ۵۰ ساله نشان می‌دهد که نمایش خشونت رسانه‌ای باعث می‌شود که کودکان به طور پرخاشگرانه رفتار کنند و این تأثیرات سال‌ها بعد، در دوران بزرگسالی نیز باقی می‌ماند. دیگران مانند جاناتان فریدمن<sup>۲</sup> از دانشگاه تورنتو معتقدند که شواهد علمی به آسانی نشان می‌دهند که تماشای خشونت نه در مردم خشونت ایجاد می‌کند و نه نسبت به آن حساسیت‌زدایی می‌کند.

دلیل این اختلاف نظر گسترده در میان تحقیق‌های مختلف در خصوص تأثیر خشونت رسانه‌ای را می‌توان در دشواری تحقیق در خصوص تأثیر رسانه جستجو کرد که آثار این چالش‌روشناسختی در موارد دیگر نیز قابل مشاهده است.

---

<sup>1</sup> L. Rowell, Huesmann, *Psychological processes promoting the relation between exposure to media violence and aggressive behavior by the viewer*, Journal of Social Issues, 42:3, pp. 125–139, 1986, available at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1540-4560.1986.tb00246.x/pdf> (retrieved at: 17/05/2011); L. Rowell, Huesmann, et al., *Intervening variables in the TV violence–aggression relation: Evidence from two countries*, Developmental Psychology, 20, pp.746–775, 1984, available at: [http://www.rcgd.isr.umich.edu/aggr/articles/Huesmann/1984.Huesmann-Lagerspetz\\_etal.InterveningVariablesIntheTeleViol-AggRel.DevelopPsych.pdf](http://www.rcgd.isr.umich.edu/aggr/articles/Huesmann/1984.Huesmann-Lagerspetz_etal.InterveningVariablesIntheTeleViol-AggRel.DevelopPsych.pdf) (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>2</sup> *Effect of television violence on aggression*, Psychological Bulletin, 96:2, pp. 227–246, 1984, cited in: Jonathan, Freedman, *Television Violence and Aggression: Setting the Record Straight*, available at: [http://www.mediainstitute.org/new\\_site/PDFs/policyviews/Freedman-TelevisionViolence.pdf](http://www.mediainstitute.org/new_site/PDFs/policyviews/Freedman-TelevisionViolence.pdf) (retrieved at: 17/05/2011).

به موجب یک پژوهش فقدان اتفاق نظر در مورد آثار رسانه<sup>۱</sup>، بیانگر سه محدودیت تحقیق در این خصوص است.

**الف)** تعریف و اندازه‌گیری خشونت رسانه‌ای، بسیار دشوار است. برخی کارشناسان که تأثیر خشونت را در برنامه‌های تلویزیونی دنبال می‌کردند<sup>۲</sup>، خشونت را به عنوان کشتن یا مجروح کردن کسی و (یا تهدید به ارتکاب قتل)، مستقل از روش استفاده شده یا شرایط پیرامونی، تعریف کرده‌اند. از این رو گربنر<sup>۳</sup> خشونت کارتونی را هم در مجموعه شواهدش منظور کرد اما دیگران<sup>۴</sup> خشونت کارتونی را به خاطر مضحک و غیر واقعی بودنش از تحقیقاتشان خارج کردند.

**ب)** محققان بر سر نوع ارتباطی که داده‌ها اثبات می‌کنند، با هم اختلاف دارند. برخی استدلال می‌کنند که نمایش خشونت در رسانه‌ها باعث پرخاشگری است. دیگران می‌گویند، این دو با هم مرتبطند اما ارتباط علی و معلولی بین آن‌ها وجود ندارد و عده‌ای نیز می‌گویند که کلاً ارتباطی بین این دو وجود ندارد.

**ج)** حتی آن‌هایی که به ارتباط بین خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری موافقت می‌کنند، درباره این که چگونه یکی بر دیگری اثر می‌گذارد، با هم اختلاف دارند. از یک سو، بعضی می‌گویند که مکانیسم، یک مکانیسم

---

<sup>1</sup> Andrea, Martinez, *Scientific Knowledge About Television Violence*, Canadian Radio-television and Telecommunications Commission (CRTC), 1992, available at:

[http://www.media-awareness.ca/english/resources/research\\_documents/reports/violence/upload/Scientific-Knowledge-about-Television-Violence-Report.pdf](http://www.media-awareness.ca/english/resources/research_documents/reports/violence/upload/Scientific-Knowledge-about-Television-Violence-Report.pdf) (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>2</sup> George, Gerbner & Larry, Gross, *Living with television: The violence profile*, *Journal of Communication*, 26:2, pp. 173-199, 1976, available at: <http://www.unf.edu/~pharwood/courses/fall05/3075fall05/crimegerbner.pdf> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>3</sup> Ibid.

<sup>4</sup> Guy, Paquette et al., *Violence on Canadian Television and some of its cognitive effects*, *Canadian Journal of Communication*, 22, pp. 143-160, 1997, available at: <http://www.cjc-online.ca/index.php/journal/article/viewarticle/992/898> (retrieved at: 17/05/2011).

روان‌شناختی است که در راه و رسمی که ما یاد می‌گیریم ریشه دوانده است. برای مثال، هاوسمن<sup>۱</sup> استدلال کرده است که کودکان با تقلید کردن اعمال قهرمان رسانه‌ای، آن را به تدریج کسب می‌کنند. هنگامی که آن‌ها برنامه‌های خشن را تماشا می‌کنند، یاد می‌گیرند که متنی را که خشونت در آن به عنوان روش مناسب حل کردن مشکل استفاده شده، بلکه ذهن خود کنند.

از سوی دیگر، برخی محققان استدلال کرده‌اند که این اثرات فیزیولوژیکی خشونت رسانه‌ای است که رفتار پرخاشگرانه را ایجاد می‌کند. نمایش تصاویر خشن با افزایش ضربان قلب، تنفس سریع‌تر و فشار خون بالا ارتباط دارد. برخی فکر می‌کنند که این عکس‌العمل نبرد یا گریز ساختگی، مردم را مستعد می‌کند تا در دنیای واقعی به طور پرخاشگرانه عمل کنند.<sup>۲</sup>

با تمام این تفصیلات در برخی موارد برداشت‌های کاملاً متفاوتی از پژوهش‌های انجام شده می‌شود. به عنوان نمونه در یک مورد پس از انجام پژوهشی ملی در انگلستان در خصوص آثار خشونت رسانه‌ای، خلاصه و یافته‌های پژوهش در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، اما رسانه‌ها هر یک به خشی از نتایج توجه کرده و تیترهای کاملاً متضادی در خصوص نتایج پژوهش منتشر ساختند.<sup>۳</sup>

با این همه، برخی از پژوهشگران بر راه‌هایی که در آن خشونت رسانه‌ای، افکار و احساسات پرخاشگرانه از قبل موجود را آماده‌ی عکس‌العمل می‌کند، تمرکز می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که در تصاویر رسانه‌ای که در آن هم قهرمان و هم شخصیت منفی، برای انتقام گرفتن، از خشونت استفاده می‌کنند، یک اشتیاق ویژه برای حمله کردن ترغیب می‌شود.<sup>۴</sup>

---

<sup>1</sup> L. Rowell, Huesmann, *Psychological processes promoting the relation between exposure to media violence and aggressive behavior by the viewer*, op.cit.

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> David, Gauntlett, *The worrying influence of 'media effects' studies*, in Martin, Barker and Julian, Petley (eds.), *Ill effects: the media/violence debate*, Routledge, 2nd ed, London, UK, 2001, pp. 47-62.

<sup>4</sup> Cynthia, Carter and C. Kay, Weaver, *Violence and the media*, Open University Press, USA, 2003, p. 72.



## الف) بازخوانی ادبیات موجود در خصوص خشونت‌های تقلیدی

آندرسون و برید بوشمن، ده‌ها تحقیق قبلی را بازبینی کرده و به این نتیجه رسیدند که کودکان و افراد جوانی که بازی‌های ویدیویی خشن را (حتی برای دوره‌های کوتاه) بازی می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که در دنیای واقعی به طور پرخاشگرانه رفتار کنند و دیگر این‌که، این بازی‌ها بر کودکان پرخاشجو و غیر پرخاشجو تأثیر منفی دارد.<sup>۱</sup>

در سال ۲۰۰۳، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که اثرات موسیقی خشن بر رفتار پرخاشگرانه، شبیه به اثرات نمایش تلویزیونی و فیلم خشن و بازی‌های ویدئویی خشن است.<sup>۲</sup>

نکته‌ای که در اکثر پژوهش‌های انجام شده در حوزه خشونت‌های رسانه‌ای به چشم می‌خورد آسیب‌پذیری بیشتر کودکان است.<sup>۳</sup> به موجب بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، کودکانی که شاهد سطوح بالایی از خشونت رسانه‌ای هستند، در خطر بیشتری از رفتار پرخاشگرانه نسبت به بزرگسالان قرار دارند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۶۰ طی یک پژوهش پیگیر در زمان، ارون و همکاران ۸۵۶ دانش‌آموز کلاس سوم را که در یک منطقه نیمه روستایی در ناحیه کلمبیای نیویورک زندگی می‌کردند، مورد مطالعه قرار داده و پژوهشگران دریافتند کودکانی که در خانه تلویزیون تماشا می‌کردند، در مدرسه رفتار پرخاشگرانه بیشتری داشتند. ارون می‌خواست مسیر این تحقیق را در طول زمان دنبال

---

<sup>1</sup> Craig A., Anderson and Brad J., Bushman, *Effects of violent video games on aggressive behavior, aggressive cognition, aggressive affect, physiological arousal, and prosocial behavior: A meta-analytic review of the scientific literature*, *Psychological Science*, 12:5, pp. 353-359, 2001, available at: <http://www.psychology.iastate.edu/faculty/caa/abstracts/2000-2004/01ab.pdf> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>2</sup> Craig A. Anderson et al., *Exposure to Violent Media: The Effects of Songs with Violent Lyrics on Aggressive Thoughts and Feelings*, *The Journal of Personality and Social Psychology*, 84: 5, pp. 960-971, 2003, available at: <http://www.psychology.iastate.edu/faculty/caa/abstracts/2000-2004/03ACE.pdf> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>۳</sup> سونسون، اینگا، تلویزیون و ترس کودکان، ترجمه مهرداد فیروزبخت، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۵-۱۶، پائیز و زمستان ۱۳۷۷؛ عرفانی، وحیده، آیا تماشای تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری کودکان می‌شود؟ بله، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۵-۱۶، پائیز و زمستان ۱۳۷۷؛ کاتبی، ناهید، آیا تماشای تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری کودکان می‌شود؟ خیر، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۵-۱۶، پائیز و زمستان ۱۳۷۷.

کند؛ بنابراین او در سال ۱۹۷۱، هنگامی که کودکانی که او در مطالعه سال ۱۹۶۰ شرکت داده بود ۱۹ ساله بودند، دوباره آنها را مورد مطالعه قرار داد. او دریافت کودکانی که در ۸ سالگی برنامه‌های تلویزیونی خشن تماشا کرده بودند، در دوران نوجوانی بیشتر با قانون دچار مشکل شده بودند.<sup>۱</sup>

هنگامی که ارون و هاوسمن در سال ۱۹۸۲ به کلمبیا بازگشتند، سوژه‌ها ۳۰ ساله بودند. آن‌ها گزارش دادند که شرکت‌کننده‌هایی که در سن ۸ سالگی فیلم‌های تلویزیونی خشن‌تری را تماشا کرده بودند، در بزرگسالی، بیشتر مجرم جنایات جدی هستند؛ بیشتر از خشونت برای تربیت کردن کودکانشان استفاده می‌کنند و با همسرانشان به طور پرخاشگرانه رفتار می‌کنند.

یافته‌های پژوهشی در سال ۱۹۷۲ یافته‌های فوق را تأیید می‌کرد. محققین در این طرح پژوهشی اقدام به مصاحبه با یک گروه از کودکان ۸ ساله کردند. به موجب این پژوهش، پسرانی که فیلم‌های تلویزیونی خشن‌تری را دیده بودند، بیشتر احتمال داشت که در دنیای واقعی به طور پرخاشگرانه عمل کنند. وقتی که محققین ده سال بعد با همان کودکان مصاحبه کردند، دریافتند که پسری که در ۸ سالگی خشونت بیشتری تماشا کرده، در سن ۱۸ سالگی حتماً به طور پرخاشجویانه‌تری عمل کرده است.<sup>۲</sup>

برخی از پژوهش‌ها بی آنکه به بررسی تماشای محتوای خشونت‌آمیز رسانه توجهی داشته باشند، اقدام به بررسی میزان تماشای تلویزیون و اعمال خشونت‌آمیز پرداخته‌اند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۷۵ پژوهشگران زندگی ۷۰۷ خانواده در شمال نیویورک را برای ۱۷ سال بررسی کردند. در سال ۲۰۰۲ یافته‌های این پژوهش منتشر شد که به موجب آن کودکانی که هر روز ۱ تا ۳ ساعت تلویزیون تماشا

---

<sup>1</sup> L. Rowell, Huesmann and Leonard, Eron et al., *Longitudinal Relations Between Children's Exposure to TV Violence and Their Aggressive and Violent Behavior in Young Adulthood: 1977-1992*, *Developmental Psychology*, 39:2, pp. 201-221, 2003, available at:

[http://www.lsa.umich.edu/psych/people/directory/profiles/faculty/PDF/Huesmann\\_2003.pdf](http://www.lsa.umich.edu/psych/people/directory/profiles/faculty/PDF/Huesmann_2003.pdf) (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>2</sup> Monroe, Lefkowitz et al., *Television violence and child aggression: A follow up study*, in G.A., Comstock & E.A., Rubinstein (eds.), *Television and social behavior*, Vol. 3, *Television and adolescent aggressiveness*, pp. 35-135, Washington DC, U. S. Government Printing Office, 1972, cited in: Martin, Barker and Julian, Petley (eds.), *Ill effects: the media/violence debate*, 2nd ed., London, Routledge, 2001, p.56.

می‌کنند، ۶۰٪ بیشتر از آن‌هایی که کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند، احتمال دارد که در سنین ۱۴ تا ۱۶ سالگی همچون بزرگسالان در زد و خوردها و تجاوزها درگیر باشند.<sup>۱</sup> برخی با استفاده از این قبیل یافته‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تماشای برنامه‌های خشن تلویزیونی توسط کودکان، از عوامل رفتار پرخاشگرانه و جامعه ستیز در نوجوانی به شمار می‌رود.<sup>۲</sup>

به هر حال، این پژوهش‌ها از انتقاد مصون نمانده است. به عنوان نمونه پژوهشگری اقدام به بررسی یافته‌های ارون نموده است. به موجب این پژوهش ارون، در سال ۱۹۶۰ تنها با مشاهده ۳ نفر از ۲۴ مردی که سال‌ها بعد به عنوان بزرگسال مرتکب جرائم خشن شدند، نتیجه‌گیری کرده است. رادز در این پژوهش نتیجه گرفت که کار ارون اگر واقعاً یک تحقیق جعلی نباشد، از لحاظ علمی نارسا، مغرضانه و سرهم بندی شده است.<sup>۳</sup> برخی دیگر از پژوهش‌های فوق‌الذکر نیز به دلیل کوچک بودن نمونه‌های آماری و یا عدم بررسی دیگر عوامل دخیل در بزهکاری مورد انتقاد واقع شده است.<sup>۴</sup>

برخی از پژوهش‌ها در حوزه تأثیر رسانه به بررسی آمارها و ارقام اجتماعی قبل و بعد وارد شدن رسانه می‌نمایند و از این رهگذر سعی در اثبات رابطه میان خشونت رسانه‌ای و پرخاشگری در زندگی واقعی رسانه دارند. در اواسط دهه ۱۹۷۰، ویلیامز استاد دانشگاه انگلیسی کلمبیا، یک روستای دور افتاده در کلمبیای انگلیس را قبل و بعد از این که تلویزیون در آن رایج شود، مطالعه کرد.<sup>۵</sup> او دریافت که ۲

---

<sup>1</sup> Jeffrey, Johnson et al., *Television viewing and aggressive behavior during adolescence and adulthood*, Science, 295:5564, pp.2468–2471,2002, available at:

<http://daphne.palomar.edu/pjacoby/Television%20Viewing%20and%20Aggressive%20Behavior.pdf> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>2</sup> John, Murray, *The Impact of Televised Violence*, Hofstra Law Review, 22:4, pp. 809-825,1994, available at: <http://www.tarletongillespie.org/syllabi/150.S02/murray.html> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>3</sup> Richard, Rhodes, *The Media Violence Myth*, Rolling Stone, Nov. 23, 2000, p. 55, available at: <http://www.abffe.org/myth2.pdf> (retrieved at: 17/05/2011).

<sup>4</sup> Guy, Cumberbatch and Dennis., Howitt, *Mass media violence and society*, London, Elek, 1975, cited in: Martin, Barker and Julian, Petley (eds.), *Ill effects: the media/violence debate*, op. cit., p. 40.

<sup>5</sup> Tannis MacBeth, Williams, *The Impact of Television: A Natural Experiment in Three Communities*, Annual Meeting of the International Communication

سال بعد از این که تلویزیون از راه رسید، رویدادهای خشن ۱۶۰ درصد افزایش پیدا کرد. در یک پژوهش دیگر، سه منطقه در مانیتوبای شمالی در سال‌های ۱۹۷۰ مورد مطالعه قرار گرفت.<sup>۱</sup> آن‌ها دریافتند که ۴ سال بعد از این که تلویزیون در یکی از مناطق رایج شد، میزان دعوای با مشت و کبودی دور چشم، در میان کودکان به طور قابل توجهی افزایش یافت. جالب این که، چند روز بعد از این که یک قسمت از برنامه مشهور «روزهای شادی» به نمایش گذاشته شد که در آن هنرپیشه‌هایی به نام شیاطین قرمز و شیاطین سبز با هم نزاع می‌کردند، دعوا بین دو گروه، اوضاع مدرسه محلی را به شدت درهم ریخت. استاد دانشگاه واشنگتن، برندون سنتروال متذکر شد که بعد از این که دستگاه‌های تلویزیونی وارد خانه‌های آمریکای شمالی شدند، افزایش ناگهانی در نرخ جنایات در آمریکای شمالی اتفاق افتاد، او برای آزمون نظریه‌اش و اثبات این ارتباط، نرخ جنایات در آفریقای جنوبی را قبل از سال ۱۹۷۵ که تلویزیون توسط دولت ممنوع شده بود، بررسی کرد، او دریافت که ۱۲ سال بعد از این که ممنوعیت برطرف شد، نرخ جنایات رشد زیادی یافته است.<sup>۲</sup>

## ب) تأثیر خشونت رسانه‌ای بر ترس از جرم

تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که تماشای خشونت رسانه‌ای، کودکان را می‌ترساند و آثار این امر ممکن است تا مدت زیادی پایدار باشد. به عنوان نمونه به موجب یک پژوهش انجام شده در سال

---

Association (Philadelphia, Pennsylvania, May 1-5, 1979) available at: [http://world.std.com/~jlr/comment/tv\\_impact.htm](http://world.std.com/~jlr/comment/tv_impact.htm) (retrieved at: 18/05/2011).

<sup>1</sup> Gary, Granzberg et al., *New Magic for Old: TV in Cree Culture*, Journal of Communication, 27:4, pp. 154–158, 1977, available at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1460-2466.1977.tb01871.x/pdf> (retrieved at: 18/05/2011).

<sup>2</sup> Brandon, Centerwall, *Television and Violent Crime*, The Public Interest, pp.56-71, 1993, available at: [http://www.nationalaffairs.com/doclib/20080709\\_19931114televisionandviolentcrimebrandonscenterwall.pdf](http://www.nationalaffairs.com/doclib/20080709_19931114televisionandviolentcrimebrandonscenterwall.pdf) (retrieved at: 18/05/2011), cited in: *Additional Facts About Television Viewing in America*, available at: [www.saintseraphim.com/information/content/tv/tv\\_article\\_supp1.pdf](http://www.saintseraphim.com/information/content/tv/tv_article_supp1.pdf) (retrieved at: 18/05/2011).

۱۹۹۸<sup>۱</sup> میزان آسیب‌های روانی کودکان (شامل اضطراب، افسردگی و فشار روحی آسیب‌زا) به نسبت تعداد ساعات تلویزیون تماشا شده در هر روز، افزایش یافته است. به موجب پژوهشی دیگر<sup>۲</sup>، مطالعه تعداد زیادی از دانشجویان مبین آن بود که تأثیر خشونت‌های رسانه‌ای تا سال‌ها بعد ادامه داشته و خاطرات تصاویر وحشتناک رسانه، تا سال‌ها بعد در اذهان بسیاری از پاسخ‌دهندگان باپرجا باقی مانده است.

### ج) خشونت رسانه‌ای و حساسیت‌زدایی از خشونت

تعداد بسیار زیادی از مطالعات صورت گرفته در دهه ۱۹۷۰ نشان دادند که افرادی که به کرات در معرض خشونت رسانه‌ای قرار داشتند، از خشونت در دنیای واقعی کمتر ناراحت می‌شوند و دلسوزی کمتری برای بزه‌دیده دارند. به عنوان نمونه در یک تحقیق انجام شده در طول زمان، گروهی از پسران جوان در یک دوره دو ساله مورد مطالعه قرار گرفتند. به موجب یافته‌های این پژوهش افرادی که بیش از ۲۵ ساعت در هفته تلویزیون تماشا می‌کردند، به طور قابل توجهی کمتر از کسانی که ۴ ساعت یا کمتر در هفته تلویزیون تماشا می‌کنند، از خشونت‌های موجود در دنیای واقعی تحریک می‌شدند.<sup>۳</sup> همین موضوع توسط پژوهشگران دیگر<sup>۴</sup> مورد آزمون قرار گرفته و مورد تأیید قرار گرفت. به موجب این

---

<sup>1</sup> M.I, Singer et. al., *Viewing preferences: symptoms of psychological trauma, and violent behaviors among children who watch television*, Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 37:10, pp. 1041-1048, 1998, available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/9785715> (retrieved at: 18/05/2011).

<sup>2</sup> Joanne, Cantor and K., Harrison, *Tales from the screen: Enduring fright reactions to scary media*, Media Psychology, 1:1, pp. 97-116, 1999, available at: [www.education-medias.org/.../Tales-from-the-Screen-Enduring-Fright-Reactions-to-Scary-Media-Report-pdf.pdf](http://www.education-medias.org/.../Tales-from-the-Screen-Enduring-Fright-Reactions-to-Scary-Media-Report-pdf.pdf) (retrieved at: 18/05/2011).

<sup>3</sup> Victor B., Cline, et al., *Desensitization of children to television violence*, Journal of Personality and Social Psychology, 27:3, pp. 360-365. 1973, available at: <http://www.sciencedirect.com> (retrieved at: 18/05/2011).

<sup>4</sup> Fred, Molitor and Kenneth W., Hirsch, *Children's toleration of real-life aggression after exposure to media violence: A replication of the Drabman and Thomas studies*, Child Study Journal, 24:3, pp. 191-207, 1994, available at: <http://ceep.crc.illinois.edu/ecearchive/digests/ej-cite/ej496752.html> (retrieved at: 18/05/2011).

پژوهش‌ها اگر کودکان برنامه‌های تلویزیونی یا فیلم‌هایی را که حاوی محتویات خشن هستند تماشا کنند، بیشتر احتمال دارد که رفتار پرخاشگرانه را در دنیای واقعی تحمل کنند.

## (د) نظریه کاشت و خشونت‌های رسانه‌ای

به موجب نظریه کاشت افرادی که مقدار زیادی خشونت تلویزیونی تماشا می‌کنند، از جهان واقعی بیشتر می‌ترسند. به موجب پژوهش‌های گربنر مخاطبان رسانه تصاویر رسانه‌ای را به عنوان واقعیت بیرونی می‌پذیرند و این تأثیر رابطه‌ای مستقیم با میزانی دارد که مخاطب در معرض رسانه قرار می‌گیرد هنگامی که درک بینندگان از جهان به جایی می‌رسد که با نمایشی که در تلویزیون دیده‌اند مطابقت داشته باشد، آن‌ها منفعل‌تر، مضطرب‌تر و بی‌مناک‌تر می‌شوند. گربنر این را به عنوان یک بیماری در درک جهان توصیف کرد. تحقیق گربنر روشن کرد، آن‌هایی که میزان زیادتری تلویزیون تماشا می‌کنند ترس بیشتری از جرم داشته و به همسایگان خود اطمینان ندارند. به موجب این نظریه افرادی که زیاد در معرض رسانه قرار می‌گیرند می‌پندارند که نرخ جنایت در حال افزایش است؛ حتی اگر این‌گونه نباشد. بیان شد که کودکان از جمله اقشار آسیب‌پذیر در قبال خشونت‌های رسانه‌ای هستند، این امر با توجه به فرضیات نظریه کاشت اهمیتی دوچندان می‌یابد، چرا که به موجب پژوهش‌های انجام شده کودکان از مشتریان پر و پا قرص رسانه‌ها محسوب شده و میزان استفاده از رسانه در میان آنها بالا است. به عنوان نمونه به موجب یک پژوهش انجام شده در ایران، کودکان و نوجوانان به طور متوسط در شبانه روز ۳ ساعت و ۵۲ دقیقه از تلویزیون، ۱ ساعت و ۳۸ دقیقه از برنامه‌های کودک و نوجوان تلویزیون، ۱ ساعت و ۳۶ دقیقه از موسیقی، ۵۶ دقیقه از سایر برنامه‌های ماهواره، ۴۸ دقیقه از بازی‌های رایانه‌ای، ۲۴ دقیقه از اینترنت و ۱۱ دقیقه از رادیو استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان به طور متوسط در شبانه روز ۳ ساعت و ۲۳ دقیقه از وقت خود را صرف درس خواندن می‌کنند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> سپاسگر شهری، ملیحه، بررسی میزان و نحوه استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۴۳-۱۷۵، ص ۱۷۲.

به هر حال، نظریه کاشت صرفاً در مرحله نظر باقی نمانده و برخی پژوهش‌ها فرضیات این نظریه را به بوته آزمون سپرده‌اند. به عنوان نمونه در یک پژوهش تعداد ۳۶۰ دانشجو مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که افرادی که زیاد تلویزیون نگاه می‌کنند، معتقدند که دنیا مکانی خیلی خطرناک است.<sup>۱</sup> با توجه به مراتب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که خشونت‌های رسانه‌ای واجد تأثیرات سوء بر دنیای پیرامون هستند، اما دامنه و میزان این تأثیرات به دلیل مشکلات و چالش‌های روش‌شناختی هنوز به صورت علمی ثابت نشده است.<sup>۲</sup>

---

<sup>1</sup> Guy, Paquette et al., Violence on Canadian Television and some of its cognitive effects, op. cit.

<sup>2</sup> Sara, Bragg, *Just what the doctors ordered? Media regulation, education and the 'problem' of media violence*, in Martin, Barker and Julian, Petley (eds.), *Ill effects: the media/violence debate*, Routledge, 2nd ed, London, UK, 2001, pp. 87-110.